

جلسه اول

موضوع: گزارش انتقادی از ورود علوم پایه به ایران

مدرس: جناب آقای دکتر علیرضا شفا

▼ ظهور علوم دقیقه در پرسش‌های بنیادین

▼ وضعیت علوم دقیقه در ادوار تاریخی

▼ معیاری برای تعریف علم و مواجهه دولت‌ها با آن

علم زمانی متولد می‌شود که آن انتظاری بیش از توان محاسبه از آن در نظر باشد و بتواند پاسخگوی ارتباط انسان و جهان باشد. و در واقع علم شجاعت پرسش درباره بنیاد امور جهان است.

- زمانی که علم محض پیشرفت می‌کند و توان و سرعت محاسبات افزایش می‌یابد؛ متعاقباً کاربردهای متنوعی نیز ظهور می‌کند که به همراه خود، قدرت اقتصادی و نظامی و... را به همراه می‌آورد و باعث پیشرفت جامعه می‌گردد. اما هیچگاه با پیگیری صرف نیازهای مادی، نمی‌توان به علم محض رسید. هرچند ممکن است انگیزه رفع نیازها، نوعی محرک در مسیر تولید علم باشد ولی عامل تولید علم نخواهد بود.
- در ایران به دلیل وجود زمینه سنت و ماهیت دینی در جستجوی علم، اذهان دانشمندان آماده پرسش‌های بنیادین جهان بوده و از این رو در گذشته توانسته‌اند از پیشگامان ریاضی باشند و توانایی پایه‌گذاری علوم دقیقه را هم‌چون خوارزمی داشته باشند.
- اما در دوره‌ای از تاریخ، ایرانیان دچار عقب ماندگی در رسیدن به مرزهای علم شدند که دلیل آن نوعی تخدیر در انسان دوره صفویه و قاجار است که در عرفان و فلسفه صدرایی به اوج می‌رسد و خود را بی‌نیاز از پرسش‌های بنیادی می‌یابد.
- تولید علم، نیازمند وجود انسانی است که خود را فقیر بداند و پاسخ‌هایی که در دست دارد، بیشتر از پرسش‌هایش نباشد. در این زمان طمع‌ورزی به کاربردها و منفعت‌های اقتصادی ناشی از آن بیشتر رخ می‌نمایند و گمان‌ها آنها به این سمت می‌رود که تولید تمدن و قدرت صرفاً از ناحیه‌ی گسترش کاربردهای علوم خواهد بود که این تفکر، مخرب است و انسان را ناتوان می‌کند.

پس از انقلاب اسلامی، ایرانیان به ملتی تبدیل شدند که آماده پرسیدن پرسش‌هایی بنیادین درباره ذات آفرینش و انسان هستند، و از این رو به علوم دقیقه و راه‌های یادگیری و آموزش آن اهمیت داده شد. حاصل این توجه، ظهور افرادی است که در عرصه جهانی و در المپیاد‌های مختلف می‌درخشند.